

سلام علیکم و رحمه الله اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین و الله اجمعین و الانا السلیم صرات السلام علی الله و عالم الله علی الله العظم الی محمد صل علی محمد الله ال بین ال نفرین الم معصومین سیما هی الله العید روح الله العالمین انقلاب مقدم الله اول الله و الله المانی علی الان الی قیام مهدی اذی عباد الله الصیر الله نظم انکم در ابتدای خطبه هم خودم هم شما خواهران و برادران رعایت تقوای الهی دعوت می کنم باید انسان اگر کاری رو بخواد انجام بده موانع رو فرصت ها رو هم ببینه ما که هر هفته همدیگر رو توصیه به تقوا می کنیم باید بدونیم موانع تقوا هم چی هست چه چیزی باعث می شه که انسان تقوا رو نتوانه رعایت کنه مثلا روایت هست یکی از اون موانع را روایات ما حصر عنوان کرده امام صادق علیه السلام می فرمایند یادم علی سید بم برا سعید الکفره ا بگو حصر بر حذر باشید به دور باشید بپرهیزید از حسد مبدا یکی از شما به دیگری حسد بورزه حا اصل کفر حسد حسادت هست که انسان رو به کفران نعمت های خدا بلکه به اصل وجود خدا می کشونه اولین گناهی که تو عالم هستی شکل گرفت و انجام شد حصر بود وقتی که خداوند آدم رو آفرید و به فرشته ها فرمود که من بشری رو از خاک می آفریدم و از زمانی که از روح خودم در این بشر دویدم همه سجده کنید همه سجده کردند ابن قدیس ابا کرد استکبار و وزیر در روایات ما هست علت این استکبار حسد بود وقتی که بنده خدا سر به سجده می ذاره اون موقع فریاد شیطان بلند می شه ای وای بر من که فرزند آدم سجده کرد و من سرزن کردم یه ناشی از حسادت شدید شیطان و ابلیس است نسبت به آدم و فرزندان آدم و به خاطر همین معصیت معاصی دیگر هم مرتکب شد استکبار هم مرتکب شد و خدا از اون درگاه الهی بیرونش کرد و نه ش کرد اصل این رجیم بودن ابلیس برمی گرده به حس عادتش اولین خونی که در روی زمین ریخته شد به خاطر حسادت بود وقتی که خدا دستور داد به حضرت آدم که به فرزندان بگو قربانی برای من بیارن هدیه بیارن هابیل و قابیل هر کدام هدیه ای برای خدا آوردند از یکی قبول شد از دیگری قبول نشد و اون برادری که ازش قربانی قبول نشد حسادت کرد تهدید کرد برادرش رو به قتل گفت من حتما تو رو می کشم ولی بعد اون برادر فرمود برادرش گفت نمای الله من الملقین خدا فقط از پرهیزگاران این چیزا رو قبول می کنه حسادت این بسیار بسیار شدید بود اونقدر شدید شد که منجر به قتل برادرش شد اولین خونی که روی زمین ریخت به خاطر حسادت بود ایات یک مریضی بسیار سختیه درمانش خیلی سخته در روایات هست یک چشمه جلوی درب بهشت گذاشته خدا بهشتی که می خواد وارد بهشت بشه اول از این چشمه آب می نوشه تا باقی مانده تر مانده حسادت از دلش بیرون بره ببین تا کجا آمد حسادت تو دنیا پاک نشده تو عالم برزخ با اون همه عذاب پاک نشده دو عالم قیامت پاک نشده تو دم بهشت هنوز تهش مونده این همه پاک کرده اینا رو با عذاب حالا یه مقداری مونده تهش تا با اون نهر بهشتی پاک بشه کار سختیه مریضی لا علاجی صعب العلاج چطور یسان مریضی می شه علائمی تو وطنش ظاهر می شه مثلا انسان سرما می کنه می بینه سردرد شد عطسه می زنه آبریزش بینی داره طبل داره علائم رو می فهمه بعد علائم رو فهمید می ره دنبال درمانش مشکل ما اینه که ما تو مریضی های روحی علائم رو نمی فهمیم علائم رو می بینیم متوجه نمی شیم چی الان مریض این مرضیه روحی داریم حالا چند تا علامت رو به روایات ما برشمردن من چند تاشون به خدمتتون عرض می کنم که ببینیم آیا ما حسن داریم یا نه امام صادق علیه السلام می فرماید لقمان به پسرش گفت خ لقمن الیه لقمه پزشکی می گه که الی الحد ثلاث و علامات پسر حسد سه علامت داره نگاه کنید این داره یا نه تو ربات پاک بشه تو همین دنیا ان شالله یه یخ تا با اضافه ها و اگر دوستش برادرش همکارش همسایه اش هر از جاریش اونجا نیست تو مجلس غایب با غیبتش می کنه یخ تا غیبتش می کنه بعدیش رو می گه اگر نعمتی تو وجود او دیده دیگه خودش نداره می خواد با غیبت کردن برشمردن بدی ها اون خوبی و نعمتی هم که رفیق شاید داداش داره اون رو پنهان کنه از چاش بندازه یخ تا از آقا بر بعد دومین علامت ویتمن لب عا شهیدم اگر باشه حضور داشته باشه تملق می کنه خوبیش رو می گه وقتی تو جلسه حاضر باش اون شخص دیشب تو داشتی غیبتش می کردید یه دفعه چطور صد و هشتاد درجه برگشتی وقتی حاضر هست ولی و خوبی هاش رو می گی غیبتش نمی کنی یت ملق زار در این دومین علامت شخص بیمار هست سومین علامتش اینه یشت یشت به مصیبت اگر مصیبتی برای اون رفیقش پیش بیاد برای کسی که ازش حسادت می کنه خوشحال می شه شماتت می کنه تو بعضی روایات داره می گه خوشحال می شه از گرفتار شدن اون شخص از زائر شدن نعمت از اون فرد فرد دانشگاه قبول شده در رتبه بالا به این سعادت می کنه دلش می خواد این نعمت رو نداشته باشه حالا اگر اتفاقی افتاد از دانشگاه بیرونش کردن خوشحال می شه اگر مدیر شد ناراحت می شه اگر مدیریت بره شن خوشحال می شه اگر نعمتی به آدم دادن اونشم دادن ما تمنای زوال نعمت کردیم کاش نداشتیم نعمت کاشکی اون خوبی رو نداشت این شخص محد حسادت داره این مریضی تو وجودش هست چیکار کنیم چه خواهیم به سر بریزیم چطوری پاکش کنیم برید رسول خدا حضرت محمد صل الله

علیه السلام ماشالله من با صحبت هاشون و فرمایشات و روایات شون رو به شیوه های مختلف بیان می کردن گاهی وقتا سوالی بود گاهی وقتا تعجبی بود گاهی وقتا عادی سوال می پرسیدن و حرفشون رو بیان می فرمودند یه روز تو مجلس تو مسجد نشسته بودن اصحاب دور و برشون یه دفعه حضرت فرمودند اولین شخصی که الان می خواد از در وارد بشه این شخص اهل بهشت است همه منتظر بودن کی از در می خواد بیاد تو کسی هم می تونست تقلا کنه از اون در بره مثلا خودش اولین نفر بیاد این کار رو نمی شد کرد جلوی پیغمبر از غیب خبر داره دیدم دیدم یک پیرمرد پیرمرد ساده وارد مسجد شد رفت وضو گرفت آمد نمازش بعد روز بعد شد دوباره همین اتفاق افتاد حضرت فرمود می دونید اولین کسی که وارد بهشت وارد این مسجد می شه بهشتی هست همه دوباره منتظر شدن همون پیرمرد دیروز امروز هم اومد بار سوم همین قصه تکرار شد تا یکی از اصحاب پیغمبر به نام عبدالله ابن نراست حالا پدرش آدم بدی بود عمروعاص بود اما پسره آدم خوبی است گاهی وقت ها پدر شخص محترمی نیست ولی پسر آدم خوب در می آد انسان پاکیزه ای در می آد ابن عبدالله ابن نمرست از اون آدمها بود می گه رفت دنبال این پیرمرد ببینه چیکار می کنه چطور رفتاری داره که پیغمبر خدا می گه اهل بهشت کنجاو شد و دنبالش دید رسید یه خونه محقری یعنی نقش این تو خونه داره و یه بز این پیرمرد گفت که پیر مرد من پدرم از خونه بیرونم کرده راه نمی ده اجازه هست یه شب پیش تو بمونم می خواست با این یه شب موندنم ببینی چیکار می کنه شب رو چجوری صبح می کنه صبح رو چجوری شرم می کنه موند تو خونه اش خرما آورد جلوش گذاشت یه کاسه شیر براش آب تناول کرد بعد شب شد دید برای نماز شب هم بلند نشد بالاخره راحت خوابید تا صبح نماز صبحم خوند بعد به برده رو کرد گفت بر دش من داستانی برات گفتم صحیح نبود من به خاطر این آدم پیش تو خواستم ببینم چطور شده پیغمبر می گه هر تو اهل بهشتی در رو فرموده مستفی گفت ببین من چند تا خصوصیت سعی کردم تو وجودم به وجود بیار این درس برای ما که می خوای حسرت نداشته باشی ببینید پیروند چیکار کرده این پیرمرد دیگری که یکی از اون خصوصیات و کارهایی که من همیشه تو ذهنم تو دلم تو اعمالم انجام می دم اینه که اگر همه دنیا از من گرفته بشه من ناراحت نمی شم یعنی این جوری به خودم قبولوندم اگر تمام دنیا از من بگیرن اموالمون مالمون همه چی مکننت قدرت من ناراحت نمی شیم دومین چیز اینه که من به خودم واجب کردم اینا رو خودم به وجود آوردم که اگر همه دنیا به من بدن خوشحال نمی شم این دومین خصوصیات سومین کاره که من تو دلم هست همیشه انجام می دم به خودم تلقین می کنم اینه که از هیچ کس کینه به دل نمی گیرن اگر بدهی به من می شه فراموش می کنم نمی دارم یک سال بعد رو دیدید یک سال بعد می هاتون فلان سال این حرف رو زدی فلان روز این کار رو کردیم این جفا رو من کردیم بعضی ها افتخار می کنن به کینه ای بودن بله چهارمین مورد که من سعی کردم تو وجودم ایجاد کنم اینه که به هیچ کس حسادت نمی کنه هیچ کس سعی می کنم تمام ولی اینجوری بود سعی می گم تمام خوبی هایی که خدا بهش داده ببینه دون رو خدا چقدر نعمت به خودش داده حالا این نعمتم به دیگران ببینه ولی بله چه اشکالی داره ما غرق در نعمت هستیم ما انسان ها خودمون نمی فهمیم ما درک این موضوع نداریم .

خطبه دوم

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الحمدالله العالمین با الله ین بام الانبیا الش و السلام و السلام علی السید منی و قاسم مستفی محمد و آل یابی عالی معصومین سیما امیرالمومنین علی بن ابی طالب مسیح رسول الله صل الله علی فاطمه الزهرا صات نثار عالمی و صل علی الحسن و الحسین ب الرحمن اهل جنم صلی علیه و المسلمین علی استان زین الله آبادی و محمد و آل محمد ال ربی وجل آل محمد سابق الوار الیل و موس جعفر الکاظم علی بن موسی سل مرتضی و محمد بن علی فقیه علی بن محمد بنکی الحسن بن علی زکی الی الحجت حسن القاب منتظر المهدی م حجت آقای مک و آن اینکه وقتی بهلاک بهم اعتقا با و لا همت الله ی ابا الله الصیب تقو الله من از قبر در ابتدای خطبه دوم من خودم را هم شما خواهران و برادران محترم را به رعایت تقوای الهی دعوت می کنم همین جور که در خطبه اول هم می گفتیم حسادت اصل و ریشه بسیاری از گناهان است گاهی وقت ها حسادت باعث می شه انسان در جمع آوری مال حرص بزنه بگه چطور داداشم اینقدر مال داره من نداشته باشم چطور یم این فلان خونه رو داشته باشه من نداشته باشم فلان میل رو من ندارم فلان فرش روی اتاقش چرا من رو داشته باشم من چیم از اون کمتره همین حرفا همین تلقیناتی که به خودمون انجام می دیم باعث می شه که این مسئله اوج پیدا کنه اونقدر زیاد بشه اونقدر شدید بشه که گاهی انسان پاش به دادگاه باز بشه به خاطر بعضی پرونده ها اگر شما تو دادگاه برید پی رسید ریشه بعضی از این پرونده ها برگشتش به سعادت بازگشتش به حسادت است خودمون رو تو دردرس می ندازیم خون رو زیر قرض می

بریم چک می کشیم بدهکار مردم می شیم بعضی وقت ها نمی توانیم این ها رو بدهکاری ها هم حذف کنیم آبروی انسان ها این وسط ریخته می شه چه بسیار قتل ها رخ داده خواهرم برادرش حسادت گاهی وقت ها منجر به قتل شده و می شه اینا همش ربطی به همین یک بیماری تو وجود انسان داره بعد پیش می آد که می بینیم پیش شخص می شینیم همش از مشکلاتش می گه خوبی و از خدا نمی بینه هرچی رنج داره می بینه نعمت های خدایی که بهش داده نمی بینه لذا شکر خدا هم به جا نمی آره و از زندگی دائم ناراضیه همه جا رو سیاه می بینه خودش رو ناامید می بینه وقتی ناامیدش یا دست به خودکشی می زنه ولی تا اینجا انسان به خاطر حسادت پیش می ره قانع نیست به اون چیزی که داره و نگاه انسان به زندگی گراد باشه حتی بی حجابی ها حتی بعضی از بی حجابی ها هم به خاطر حسادت چطور جاری و چطور فلان خانم این مسئله رو داره این زیبایی رو انجام داده من نداشته باشم من بهترم اون هم هستم آرایش می کند بدون حجاب وارد جامعه می شود و باعث تبعات خودش داره دور این قصه یعنی گاهی بی حجابی ها این جور بیاید بالاتر گاهی وقت ها خود مومنین تو بحث عبادت خدا تو بندگی خدا حسادت می طلبم من باید تنها کسی باشم که مسجد می آد دیگران رو دعوت نمی کنه چرا نمی کنه می گه چون من معروفم به مسجدی من باید تنها کسی باشم که نماز جمعه می ره از این محله دیگران رو دعوت نمی کنه نمی کنه بیاره چرا چون من باید به من می گم ایشون نماز جمعه ای هست این آدم خوبیه این مداح و دیگران رو تشویق به حفظ نمی کنه باید من تنها حافظ قرآن باشم این منطقه ببینید چقدر پیشرفت می آد تو ابلیس شیطان تو قصه عبودیت هم حسادت رو می آره پیدا کنید کسی رو دعوت به راه خدا نمی کنه چون من باید بخوام این راه رو برم به راه مخصوص منه اینا همین علائم مریضی حسادت تو دل روستان دیگه اون دعوت حجاب نمی کنه من باید فقط حجاب داشته باشم اینا باید برن جهنم این تال دلش نمی خواد کسی وارد بهشت بشه اما سیره پیغمبر ما اینطور نبود سیره ی اهل بیت نیست خداوند گاهی وقتا پیغمبرش رو منع می کنه می گه از بس که تو نگران این مردم هستی می خوای جان عزیزت رو از بین ببری لعله واخ نفسم کرد علی آزار الا یوم بها الحدیثه از فامی خوای خودت رو از دست بدی از بس که نگران مردم هستی عس خیرخواه مردم هستی در احکم رسول منکم عزیزان علیه و آله حریان آلم و بالمومنین عرب فرانی این پیغمبری که ما به سمت شما فرستادیم سرره ای حرص و عادت نداره چون حرص بر هدایت شماس ت تنها خوردیم خودش بهشتیه خود علاینه دلش می خواد شما هم بیاید از اینکه شما نمی آید داره حرص می خوره داره جان خودش رو از دست می ده داره نگران از شماس ت به خاطر این نگرانی داره از بین می ره خدا منش می کنه چه خبره پیغمبر ما پیغمبر باشی شیون باشی بعضی ها سوال براشون پیش می آد دو سوال ها و همین زاویه هست تو بعضی مباحث سیاسی گروه های سیاسی جناح های سیاسی مختلف تو کشور داریم بالاخره حضرت آقا از یک دولت حمایت می کنه از اون جناح می گه چرا باید از این دولت حمایت بشه حسادت پیش می آد چه اتفاقی افتاده و این چیکار کرده همین اخیرا حضرت آقا از همین دولت هم حمایت کرد با جمله رئیس جمهور خدمت گذار دولت خدمت گذار از این دولت نام برد می بینیم تو فضای مجازی از جناح مخالف صدا بلند می شه و آقا همچین هم نیست ی توجیه می کند کسی منکر ضعف های این دولت نیست این دولت ضعف داره همونجور که دولت های قبل داشتن و دولت های قبل بدون ضعف بود کسی منکر گرانی ها نیست همه می دونید گرانی هست با پوست و گوشتمون داریم لمس می کنیم هم بنده هم شما می دونیم پولمون کم ارزش است می فهمی اما حضرت آقا فرموده کشور داره به جلو می ره با همه مشکلات با همه سختی ها این کشور داره جلو می ره داره پیشرفت می کنه پیشرفت رو ببینید تو همه زمینه ها کشور ما داره پیشرفت می کنه چه تو زمینه علمی چه تو زمینه اقتصادی حتی نظامی فرهنگی و سیاسی که هنوز خیلی ما حرف داریم درباره اش تو همین زمینه ها کشور پیشرفت کرده و همچنین به این پیشرفت داره ادامه می ده اگر ما بیایم سنگ تو راه این دولت بذاریم هی راهش رو ببندیم خب مدیریت اجرایی به هم می ریزه این دولت هر دولتی که روی کار می آد سیستم اجرایی کشور بودجه کشور کارهایی که باید روی زمین انجام بشه توسط این دولت باید انجام بشه یا هر دولت که روی کار می آد خب هر کسی بیاد به نیش بزنه یکی اون رو چف کنه به تخریب انجام بشه روند پیشرفت کشور قفل می شه ما نمی گیم انتقاد نشه انتقاد بشه اما اعتقاد سازنده فرق می کنه با تخریب نقد دلسوزانه بشه اگر واقعا نقدی عالمانه واقعا با پشتوانه علمی داره آدم بیان کنه راهکارم بگه فقط نقد بعضی ها نقد انجام می دن بدون راهکار حالا که همه می دونن بله گرانی هست ون می دونیم این چیزا می فهمیم راهکار بده راهکار تو چیست به دولت اعلام کن پیشنهاد بده و تو مسئله ارز ما پیشنهاد بدم تو مسئله ارز گرانی پول ما داره بی ارزش می شه یکی از علل بی ارزش شدن اصطلاح پول ما همین ترخیص کالاها بدون تامین ارز ارز کشور رو به این وارد کننده نمی دن این آقا می آد کالایی خودش رو ترخیص می کنه وعده می ده به یک ماه دیگه به ماه دیگه من ارز شما رو تامین می کنم به سال دیگه ارزش ما را

تامین می کند این باعث می شه بازار بالقوه ی عرضه ارز پیش بیاد و جامعه اقتصادی آماده جدید بشه و یک جامعه ای اقتصادی در نظر بگیرید در دلش آماده شه خب یه قانونی هست به نام ده نود معروفه تو مجلس که اجازه داده ترخیص رو بدون پشتیبانی از انجام بشه و یا بردار نماینده مجلس ما به چه دردی می آره تو مجلس به چه کار می آد و اینا رو تحقیق کنن اینا رو مطرح کنن تو مجلس کانون های دست و پاگیر رو بردارن دومین علت این راهکار هم میری دومین علت بالا رفتن عرضه تو کشور ما همین آزادسازی تجارت است به شهرهای مرزی گفتن با شهرهای مرزی اون طرف کشورهای همسایه بتونن راحت تجارت کنن اولش به ظاهر خوب می آد ظاهر خیلی خوب می آد اینا بدون اینکه کالایی که از مثلا کشور پاکستان یا عراق وارد کشور می کنن ارز رو تحویل بدن با ارزی تامین دم که بازار آزاد تامین می کنن نمیرن از بانک مرکزی ارز رو بگیرن که از بازار آزاد تامین می کنن حالا شما ببینید یک مبادله بزرگی هم نیاز به یک پول هنگفتی داشته باشه ارز هنگفتی داشته باشه خ فشار می آد به بازار آزاد وقتی بازار آزاد فشار اومد تلاطم پیش اومد ارز بالا می رفت قیمتش این باید راهکار بدن نباید همون شهرهای مرزی ما هم بدون تامین ارز این کار انجام بشه اون رو از بانک مرکزی سومین داریم چرا ارز تو کشور ما بالاست پول ما کم ارزش شده چرا سومین دلیلش رشد نقدینگی تو دست های مردم شرکت ها بانک ها پول زیاده این به جای به سمت تولید بره به سمت بازار ارز می ره ولی اون مسائل گذشته ای که عرض کردم وجود داشته باشه طرف برای اینکه پولش بی ارزش می شه وارد بازار ارز می شه ارز می خره برای اینکه ارزش پولش کم نشه طلا می خوره برای اینکه ارزش پولش کم بشه ماشین یا خونه می خره وقتی اینا رو خرید اینا کم می شه تو بازار خب گرون می شن پولمون کم ارزش می شه بعد حضرت آقا سال ها پیش فرموده باید این حجم نقدینگی کنترل بشه به سمت تولید بره نه به سمت بازارهای غیر مولد بی حالی که از دل داده مشکلات ارزی ماست و چهارمین موردی که من برای شما داشتم زیاده موارد زیاده چون وقت نیست تو خطبه ها نمی شه همه رو بیان کرد همین یکی رو بگم و خطبه تموم بشه ان شاءالله یکی هم متعدد بودن نرخ ارز اون نرخ دولتی داره این نیمایی داره این نرخ آزاد داریم شخصی می خواد فرض کنه شما می خوای یه کالایی وارد کشور کنید نمی دونی با کدوم ارز بهت تخصیص می گیری نیمه هایی بهت می دم یه قیمت دولتی بهت می دن یه قیمت آزاد باید بری بگیری یه قیمت خب چرا این کار کنی میری پولت رو می ذاری تو باهش ارز می خری به جای اینکه کالا بیاری کشور ارز می خره یا هر قیمتی بالا رفت و می ره جنس تو هم بالا می ره اینا همش باعث می شه که پول ما کم ارزش می شه موارد زیاد دیگری هم هست به همین مقدار و ی کن.